

Transformational solutions in prophetic cultural management with an emphasis on the Quranic thought of Imam Khamenei

Asghar Ayati¹, Abdullah Tavakoli²

Abstract

One of the sciences related to human behavior is management, and cultural management has priority and importance in terms of its relationship with religious, moral and civilizational parts. In order to achieve a comprehensive map and model of cultural management, in addition to examining the indicators, dimensions, obstacles and damages, it is necessary to identify and apply transformative solutions in cultural management, as well as the transformative solutions of prophetic cultural management due to the superiority of this model over other models. And it will have double value; Therefore, the present article was looking for transformative solutions in prophetic cultural management from the perspective of the Holy Quran, emphasizing the Quranic thoughts of Imam Khamenei, which was carried out with the meta-composite research method, which is one of the types of meta-study methods. It has been tried to extract solutions by studying related articles, books of interpretation and history and presenting and comparing it with the Quranic thoughts of Ayatollah Khamenei. The most important findings of this research are: thought formation, humanization, moral orientation, government formation, creation of space and creation of cultural and spiritual atmosphere, creation of a single nation, which by applying these solutions, we can draw an important step for the elevation of civilization and Islamic government of dear Iran and other governments and rulers of Islamic societies. to be And if this goal is achieved, it can be the origin and source of inspiration and modeling for other human societies.

Keywords: strategies for transformation in culture; cultural management; Prophet of God (peace be upon him), Imam Khamenei.

1. Ph.D student in the field of Quran and Management, Al-Samatafi Al-Alamiya Community, Qom, Iran. (Responsible author) a.amaf@chmail.ir

2. Associate Professor, Department of Management, Research Institute and University, Qom. Iran. atavakkoli@rihu.ac.ir

مطالعات قرآنی
و تمدنی

دوره اول

شماره دوم

پیاپی: ۲

پاییز و زمستان

۱۴۰۱

۵۶



راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

اصغر آیتی^۱

عبدالله توکلی^۲

چکیده

یکی از علوم مرتبط با رفتارهای انسانی مدیریت است و مدیریت فرهنگی، به لحاظ ارتباط آن با بخش‌های دینی، اخلاقی و تمدنی، اولویت و اهمیت دارد. برای دستیابی به نقشه و الگوی جامعی از مدیریت فرهنگی در کنار بررسی شاخصه‌ها، ابعاد، موانع و آسیب‌ها، شناسایی و کاربست راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی ضرورت دارد و همچنین راهکارهای تحول آفرین مدیریت فرهنگی نبوی به دلیل برتری این الگو نسبت به الگوهای دیگر از اهمیت و ارزش دوچندانی برخوردار خواهد بود؛ لذا مقاله حاضر به دنبال راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی از منظر قرآن کریم با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای بوده که با روش پژوهش فراترکیب که یکی از انواع روش‌های فرامطالعه است انجام گرفت. سعی شده با مطالعه مقالات مرتبط، کتب تفسیر و تاریخ و عرضه و مقایسه آن با اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای، راهکارهایی استخراج شود. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارتند از: اندیشه‌سازی، انسان‌سازی، اخلاق‌مداری، تشکیل حکومت، فضا سازی و ایجاد جو فرهنگی و معنوی، ایجاد امت واحد که با کاربست این راهکارها گامی مهم برای اعتلای تمدن و حکومت اسلامی ایران عزیز و دیگر حکومت‌ها و حکمرانان جوامع اسلامی ترسیم شود. و اگر این مهم محقق شود، خاستگاه و منبع الهام و الگوگیری دیگر جوامع بشری نیز می‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: راهکارهای تحول در فرهنگ؛ مدیریت فرهنگی؛ پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، امام خامنه‌ای.

۱. دانش‌آموخته دکترای رشته قرآن و مدیریت، جامعه الصمطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

a.amaf@chmail.ir

۲. دانشیار گروه مدیریت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. atavakkoli@rihu.ac.ir

نقش فرهنگ در پیشرفت‌های مادی و معنوی کشورها و حکومت‌ها بر کسی پوشیده نیست و حتی در بسیاری از مواقع فرهنگ‌ها هستند که سرنوشت کشورها را تغییر می‌دهند. امام خامنه‌ای در اهمیت نقش فرهنگ فرموده: «عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید؛ چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳) لذا رسالت دولت‌ها در برابر فرهنگ و مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی در خصوص آن، به‌ویژه نظام مقدس جمهوری اسلامی که نظامی برخاسته از آموزه‌های شرع مقدس است و اساساً خود را انقلاب فرهنگی می‌داند، می‌طلبد که توجه خاص و ویژه‌ای بر این مهم داشته باشند. و از آنجاکه قرآن سیره پیامبر (ص) را الگو معرفی می‌کند (احزاب/۲۱) و حکومت ایشان، به فرموده امام خامنه‌ای، درخشان‌ترین حکومت تاریخ بشر است (۲۸/۲/۱۳۸۰)؛ پس مطالعه حکومت بی‌نظیر ایشان در مدینه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین الگوهای کامل در این زمینه باشد که با بررسی تاریخ و سیره حکومتی پیامبر خدا با این هدف، پاسخ درخوری به این نیاز معرفتی مدیریتی فراهم می‌آورد.

مطلب دیگر اینکه پیامبر اسلام (ص) در ایجاد حکومت اسلامی و استقرار عدل و قسط در آن با استفاده از وحی الهی، خلق عظیم (قلم/۴) و مدیریتی بی‌نظیر، توانستند از مردم بدوی با خوی‌های بسیار زشت و ناپسند، در مدتی کوتاه، انسان‌های مخلص و فداکار بسازند. اخلاق انسانی، صفات عالیّه آن حضرت و مدیریت الهی ایشان در زمانی کوتاه، آن‌چنان گسترش یافت و در دل مسلمین ریشه دواند که تمدنی عظیم تأسیس کرد (تقوی، ۱۰۶:۱۳۹۶)؛ و مسلم است که فرهنگ علاوه بر اینکه زیر بنای تمدن است، تمدن‌ساز نیز می‌باشد و اصلاً ساختمان تمدن در زمین فرهنگ بنا شده است. (مظفری، ۱۳۸۵: ۹۸)

باتوجه به این نکات، در بررسی مدیریت فرهنگی نبوی، به این نتیجه می‌رسیم که آن حضرت با استفاده از راهکارهایی، توانستند جامعه را دچار تحولی عظیم نمایند؛ تحولی که نه تنها باعث شد مردم در آن دوره از عقاید، گرایش و رفتارهای ناپسند خود دست بکشند، بلکه به عالی‌ترین صفات نیز آراسته شدند. راهکارهایی مانند اندیشه‌سازی و انسان‌سازی که از مهم‌ترین اقدامات ابتدایی حضرت بود که با تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد جو فرهنگی و معنوی که در آن به وجود آوردند، این مهم را به خوبی و با سرعت فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

در پیشینه عام این موضوع می‌توان به مقالات ذیل اشاره داشت:

آقداغی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش «واکاوی و فهم اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص)» به این نتیجه رسید که هدایت‌گری، جامعیت فرهنگی، تدریج، تقویت وحدت و انسجام اجتماعی، مسجد محوری، تقویت جایگاه خانواده و زنان و رشد دانش و آگاهی، اصول هفت‌گانه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بر اساس سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) است.

باقری فرد و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «سازوکارهای تأثیرگذاری دین در فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی (با تأکید بر مرحله تدوین)» این نتایج را مطرح می‌کنند که پیگیری، درمان و رفع معضلات فرهنگی جامعه، پیشگیری از بروز مشکلات فرهنگی و پیش‌برندگی جامعه به سوی تعالی، سه سازکار دین در فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی است.

هاشمیان و کارگران (۱۴۰۰) در مقاله «راهبردهای مدیریت فرهنگی-اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با یهودیان مدینه»، دستیابی به استقلال فرهنگی و خنثی‌سازی و مقاوم‌سازی مسلمانان در مقابله با جنگ فرهنگی را دو راهبرد اساسی پیامبر در رابطه با موضوع پژوهش دانسته‌اند.

جان احمدی (۱۳۸۵) در پژوهش مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی (ص)، اعتمادسازی عمومی، تصحیح ارتباطات فردی و تغییر رفتار جمعی و مجموعه احکام قرآنی رامبانی و سازوکار دگرگونی‌های فرهنگی در عصر نبوی می‌شمارد. در مقالات مطالعه شده، مقاله‌ای با عنوان مقاله حاضر یافت نشد؛ علاوه بر آن، اکثر مقالات مورد مطالعه یا به صورت موردی (مدیریت فرهنگی پیامبر گرامی اسلام (ص) از نگاه قرآن کریم با محوریت صبر و استقامت) یا با پیشوندهای سیره فرهنگی و سیره مدیریت فرهنگی پیامبر موضوع مدیریت فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. وجه تمایز این پژوهش، با توجه به نبودن مقاله‌ای با این موضوع و نیز بررسی‌های موردی و جزئی به موضوع پژوهش و نیز مقالاتی در سیره و نه مدیریت فرهنگی، این است که تلاش شده است، علاوه بر استخراج راهکارهای تحول‌آفرین مدیریت فرهنگی نبوی (ص)، روش‌های عملیاتی کردن آنها نیز استخراج و تبیین شود؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر راهکارهای تحول‌آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای است.

با این توضیح در این پژوهش، تلاش شده است با مطالعه سیره پیامبر اکرم (ص) در دوران حکومت ایشان در مدینه و با توجه به آیات مدنی و با بررسی و تحلیل



اقدامات آن حضرت در حوزه فرهنگ و مدیریت فرهنگی، راهکارهایی اساسی را در قالب راهکارهای تحول آفرین در مدیریت ایشان استخراج و در قالب روش‌های عملیاتی کردن این راهکارها به واسطه حضرتش، تدوین و تحلیل کند؛ به عبارت دیگر، پرسش اصلی مقاله، راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی به دست ایشان است که علاوه بر چپستی این راهکارها، به دنبال روش‌های عملیاتی شدن نیز هستیم. نتایج این پژوهش می‌تواند برای حاکمان و مدیران کشورهای اسلامی، به منظور تدوین دقیق و کاربردی آن در جامعه، کارگشا باشد.

روش پژوهش

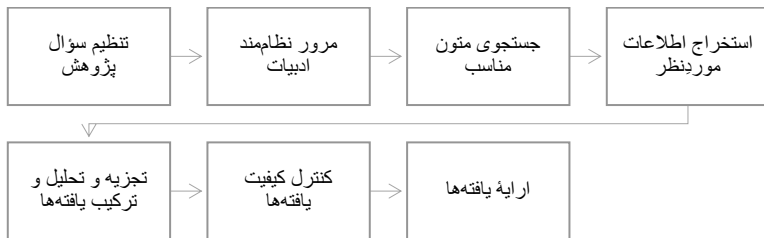
در این مقاله، برای تبیین دقیق وضعیت تحقیقات و مطالعات انجام شده در خصوص مدیریت فرهنگی نبوی، مقالاتی که به طور مشخص به این مفهوم پرداخته‌اند، شناسایی شده و در کنار آن تفاسیر و کتاب‌های تاریخی که به این موضوع اشاره دارند، به روش فراترکیب، مورد مطالعه قرار گرفته است. فراترکیب یکی از انواع روش‌های فرامطالعه^۱ است که در آن یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی تحقیقات مختلف در یک حوزه مشخص، به صورت نظام مند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش‌های فرامطالعه، ترکیب و تحلیل کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه خاص است که به چهار دسته فرانظریه^۲، فراروش^۳، فراتحلیل^۴ و فراترکیب تقسیم می‌شود. (بنچ و دی، ۲۰۱۰) در شکل (۱) انواع روش‌های فرامطالعه نمایش داده شده است.



شکل ۱. انواع روش‌های فرامطالعه

1. Meta-Study
2. Meta-Theory
3. Meta- Method
4. Meta-Analysis
5. Bench & Day

فرا ترکیب روشی کیفی برای ایجاد و تفسیر دانش حاصل از بررسی تحقیقات گذشته است. (پترسون و دیگران^۱، ۲۰۰۱) هدف از روش فرا ترکیب، استخراج نگاهی جامع تر به حوزه دانشی مربوطه با هدف بررسی نقاط ضعف و قوت و آسیب شناسی آنها و شناسایی حوزه های توسعه دانش مورد نظر و زمینه های اصلی و فرعی آن است. (زیمر^۲، ۲۰۰۶) در این مقاله برای انجام فرا ترکیب، از روش پیشنهادی سندلوسکی و باروس^۳ (۲۰۰۷) استفاده می شود که در شکل (۲) فرآیند آن نمایش داده شده است.



شکل ۲. روش فرا ترکیب (سندلوسکی و باروس)

این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش اصلی «راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خاندانی» به روش فرا ترکیب، انجام شده است. بدین منظور، برای گردآوری داده های پژوهش، از کلیه مقالات علمی و پژوهشی که در زمینه مدیریت فرهنگی نبوی به صورت کلی و زیرشاخه های آن است، استفاده شده است. علاوه بر آن، از تفاسیری که در آنها به نحوی به این موضوع پرداخته اند یا در ذیل آیات مربوط به مدیریت فرهنگی نبوی مطالبی بیان داشته اند و نیز کتاب های تاریخی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، علاوه بر کتب تفسیری، روایی و تاریخی، شامل کلیه مقالات علمی و پژوهشی است که با جستجو در پایگاه داده های «مگ ایران»، «علم نت»، «نور مگز»، «جهاد دانشگاهی» و «پرتال جامع علوم انسانی» استخراج شده است که در نتیجه آن، در نهایت ۷۵ پژوهش به دست آمد. سپس با توجه به هدف تحقیق، تحقیقاتی که با هدف تناسب کافی داشتند و یا از کیفیت لازم برخوردار نبودند، حذف و در نهایت پس از غربالگری مقالات، ۳۰ مقاله برای بررسی و تحلیل انتخاب گردید. برای استخراج و تحلیل



داده‌ها، به دلیل ماهیت کیفی آنها که متن است، از روش کدگذاری باز که یکی از معروفترین روش‌های مورد استفاده در روش تحقیق کیفی است، استفاده شده است. در این روش ابتدا کدها از متون مقالات استخراج می‌شوند (کدگذاری مرتبه اول) و سپس با کدگذاری مجدد، مفاهیم شکل گرفته (کدگذاری مرتبه دوم) و در نهایت روی مفاهیم نیز کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد تا مقولات حاصل شود (متن، کد، مفهوم، مقوله).

مهم‌ترین کلیدواژه‌های منتخب برای جستجوی مقالات، مدیریت فرهنگی پیامبر، مدیریت فرهنگی نبوی، راهکارهای مدیریت فرهنگی نبوی، راهبردهای مدیریت فرهنگی پیامبر، اصول مدیریت فرهنگی نبوی، سیره فرهنگی پیامبر، سیره مدیریتی پیامبر، اصول مدیریت فرهنگی در قرآن، مدیریت فرهنگی در قرآن، راهکارهای مدیریت فرهنگی در قرآن است.

مفهوم‌شناسی

در بررسی موضوع پژوهش، ابتدا برخی واژگان که نیاز به تعریف و توضیح دارد بررسی می‌شود:

الف. فرهنگ

واژه فرهنگ از واژه‌هایی است که تقریباً اتفاق نظری روی آن وجود ندارد و هر پژوهشگر یا متفکری بر اساس مطالعات و گرایش‌های خود به تعریف آن پرداخته است. با توجه به تأکید مقاله حاضر بر اندیشه جامعه‌شناس و اسلام‌شناس خبره، یعنی امام خامنه‌ای و صاحب نظر بودن ایشان در فرهنگ و مدیریت فرهنگی، طبعاً نظر ایشان در مقام دانشمندی تراز، برای ما مهم است.

ایشان فرهنگ را هویت يك ملت دانسته (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) و آن را از اقتصاد هم مهم‌تر می‌داند؛ چراکه فرهنگ، به معنای هوایی است که انسان تنفس می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳) و در تعریفی کامل و جامع فرموده‌اند: «فرهنگ عبارت است از آن درک، برداشت، فهم، معتقد و باور انسان‌ها و روحیات و خلیقات آنها در زندگی؛ آنها است که انسان را به کار وادار می‌کند... ایثارگری، وجدان کاری، انضباط، تعاون اجتماعی، سازگاری اجتماعی، پرهیز از اسراف، اصلاح الگوی مصرف، روحیه قناعت، استحکام در آنچه که تولید می‌کنیم؛ اینها فرهنگ است.» (۲۵/۰۶/۱۳۸۹)

نکته دیگری که در بحث فرهنگ باید بدان توجه داشت، این است که دو نوع نگاه و نگرش به فرهنگ وجود دارد: نگرش بخشی و خرد و نگرش بُعدی و کلان. در نگرش بخشی و خرد، فرهنگ، تنها به بخشی از آداب و اخلاقیات و ارزش‌های

جامعه اطلاق می‌شود. براساس این دیدگاه، فرهنگ و مسائل و موضوعات آن جدای از مسائل و موضوعات حوزه‌های سیاست و اقتصاد جامعه بوده و هم‌عرض یکدیگرند که به آنها خدمات فرهنگی نیز می‌توان اطلاق کرد. (باقری فرد، ۱۳۹۴: ۷) اما در نگاه کلان، تمام حوزه‌های اجتماعی مدنظر است و فرهنگ جزء جدایی‌ناپذیر از سیاست، اقتصاد، اجتماع و... است. امام خاتمه‌ای با توجه به همین نکته فرمودند: «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست؛ حاشیه و ذیل سیاست نیست؛ اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند.» (خاتمه‌ای، ۱۳۹۲)

ب. مدیریت فرهنگی

مدیریت را اینگونه تعریف می‌کنند: «فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل و استفادهٔ بهینه از منابع به منظور انجام اهداف عملکردی.» (شرمهورن، ۲۰۰۲: ۲۰) یا فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی برای دستیابی به اهداف سازمانی براساس نظام ارزشی مورد قبول است. (رضائیان، ۱۳۷۹: ۶) اما شاید تعریف «هنر یا دانش کارکردن با افراد (مانند جنگ احد که پیامبر (ص) با افراد در جنگ، حاضر بود و مدیریت می‌کرد) یا از طریق افراد است (مانند جنگ تبوک که پیامبر (ص) از طریق افراد، جنگ را مدیریت و راهبری کرد)» که برخی نیز به آن اشاره دارند، تعریف خوبی باشد. (شفیعی، ۱۳۹۷: ۷)

مدیریت فرهنگی را می‌توان فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل و رهبری بر مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی دانست که در راستای انتقال، تثبیت و ترویج و تکامل فرهنگی مشخص با تمامی اجزا و عناصر آن، دنبال می‌شود. (حبیبی، ۱۳۷۹: ۳۷) یا علم و هنر به‌کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل آنها برای دستیابی به اهداف تعریف شده در عرصه فرهنگ. (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴)

امام خاتمه‌ای دربارهٔ ضرورت مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی برای آن فرموده‌اند: «رهاسازی فرهنگ اصلاً جایز نیست. مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است.» (خاتمه‌ای، ۱۳۹۴) «نه بی‌برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی نه جزم‌اندیشی و تحجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ‌کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه‌ریزی کنیم؛ هدایت کنیم؛ کمک کنیم به روش‌های خوب و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند اینها را بگیریم.» (خاتمه‌ای، ۱۳۹۵)



ج. راهکارهای تحول آفرین

راهکار، واژه‌ای ترکیبی است از راه + کار و این واژه به مفهوم راه‌حل، پاسخ، شیوه‌نامه و روش حلّ مسائل است. (پارسی ویکی) معادل دیگر این واژه، تکنیک^۱، به معنای شیوه انجام کار است (فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه تکنیک). واژه راهکار در این مقاله، به معنای راه‌حل‌های کلی و اساسی است که برای اجرا و عملیاتی شدن آنها از روش استفاده می‌کنیم. روش^۲ در لغت، اسلوب، سبک، طریق و گونه است (دهخدا، ۱۳۷۷) و در اصطلاح، «تعیین راه انجام یک فعالیت یا امر» است.

برنز^۳ (۱۹۷۸) رهبری تحول آفرین را چنین تعریف می‌کند: «رهبری تحول آفرین فرایندی است که در آن، رهبران و پیروان یکدیگر را به سطح بالاتری از اخلاق و انگیزه ترقی می‌دهند.» (یوکل، ۱۳۸۲: ۴۹۷) رهبری تحول آفرین، فرایند نفوذ آگاهانه در افراد و گروه‌ها، به منظور ایجاد تغییر و تحول در وضعیت موجود و کارکردهای سازمان و به منظور بالا بردن توانایی پیروان در جهت اهداف و مأموریت سازمان، مناسب با شرایط محیطی، ارزش‌ها، خصیصه‌های اخلاقی، وجدان و انگیزه کاری است. (باس^۴، هوی و میسکل^۵، ۲۰۰۰ و لیبان و زالاف^۶، ۲۰۰۳ و هامفرز و انیشتین، ۲۰۰۳ و وندرورف^۷، ۲۰۰۷: به نقل از توکلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱)

منظور ما از تحول در اینجا، تغییر و انقلابی است که با توجه به فضا و جو حاکم بر مدینه و ویژگی‌ها و ناهجاری‌های مرسوم بین مردم مدینه، قبل از ورود رسول رحمت (ص) به آنجا، وجود داشت و پیامبر با اتخاذ راهکارهایی توانست آن مردم را در مدتی بسیار کوتاه، دچار تغییر و انقلابی عظیم کند. به فرموده رهبر انقلاب، پیامبر با ورود به مدینه، توفانی در دل‌های مردم ایجاد و دل‌ها را عوض کرد و این زمان بود که احساس کردند عقاید و عواطف و تعصبات آنها در رفتار و سخن این مرد محو شده و با دروازه جدیدی به حقایق عالم آفرینش و معارف اخلاقی آشنا شده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

1. Teknik
2. Method
3. James Mc Gregore Burns
4. Bass
5. Hoy & Miskle
6. Leban & Zulauf
7. Wendroff

یافته‌ها و تحلیل قرآنی راهکارهای تحول آفرین

مدیریت استراتژیک هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌های وظیفه‌ای چندگانه‌ای است که سازمان را قادر می‌سازد به اهداف بلندمدت خود دست یابد. (شفیعی، ۱۴۰۰: ۲۸) باتوجه به این تعریف، می‌توان ادعا کرد که رسول خدا(ص) در پیشبرد اهداف خود همین برنامه‌ریزی را داشتند. رهبر انقلاب فرموده: «برای اینکه کار حکومت اسلامی و فرهنگ دینی به سامان برسد، سه مرحله وجود داشت؛ مرحله شالوده‌ریزی نظام؛ مرحله حراست از نظام و مرحله تکمیل و سازندگی است؛ این سه کار در عرض هم انجام می‌گیرد. شالوده‌ریزی در درجه اول است؛ اما در همین شالوده‌ریزی ملاحظه دشمنان شده است و بعد از این هم حراست ادامه پیدا خواهد کرد. در همین شالوده‌ریزی، به بنای اشخاص و بنیان‌های اجتماعی نیز توجه شده است و بعد از این هم ادامه پیدا خواهد کرد.» (۱۳۸۰)

ما در ادامه، راهکارهای اصلی که پیامبر(ص) برای تحول فرهنگی در جامعه، به‌کار بستند و روش‌هایی که حضرت ایشان برای عملیاتی کردن آن راهکار نیز اتخاذ کردند را تبیین می‌کنیم.

۱. اندیشه‌سازی

تبیین دقیق و به‌موقع اعتقادات، به‌ویژه توحید و صفات دیگر خدای سبحان را می‌توان از اولین اقدامات رسول رحمت(ص) برشمرد. ایشان با چند روش این مهم را محقق کردند:

الف. توحید باوری

قرآن کریم اساس دعوت تمام پیامبران و نخستین تلاش آنها را اقامه توحید دانسته: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/ ۳۶) چراکه اگر پایه‌های توحید محکم نشود و طاغوت‌ها از جوامع انسانی و محیط افکار طرد نگردند، هیچ برنامه اصلاحی قابل پیاده کردن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۱/۱۱) لذا می‌بینیم که رسول خدا(ص) نه تنها در مکه، بلکه در تمام ده سال بعد از هجرت نیز به اقامه کلمه توحید پرداخت و برای تحقق این کار، سه گام اساسی برداشت:

یک. تبیین توحید با راه‌هایی مانند راه آفاقی، (نور/ ۴۳ و حج/ ۲) راه انفسی (حج/ ۶۲ و نور/ ۳۹) و سیر در حقیقت هستی (حدید/ ۳ و آل عمران/ ۱۸)؛

دو. بیان مراتب توحید مانند توحید ذات، توحید اسماء و صفات و توحید افعالی با



استفاده از بیان‌های گوناگون و برای انواع مخاطبان (حشر/۲۲، ۲۴ و بقره/۲۵۵)؛ سه. تبیین شرک، ریشه‌ها، انواع و مصادیق شرک و مشرکان (توبه/۳۰ و ۳۱ و نساء/۱۳۶). (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۷۰۰-۵۸)

رهبری معظم اولین قدم در این زمینه را عقاید و اندیشه‌های صحیحی می‌داند که پیغمبر این اندیشه‌ها و افکار را در قالب کلمه توحید و عزت انسان و بقیه معارف اسلامی، علاوه بر دوران مکه، در مدینه و در تمام آنات و لحظات تا دم مرگ، دائماً به این‌وآن تفهیم کرد و تعلیم داد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

ب. تقویت اعتقاد و ایمان به پیامبری ایشان

گام اساسی در اندیشه‌سازی، اثبات وجود انسانی الهی و پیامبری از سوی خداست؛ لذا خدای متعال در آیات بسیار زیادی حضرت محمد(ص) را باعنوان فرستاده خود برای هدایت و سعادت بشر، معرفی می‌کند و برای تثبیت رسالت ایشان، اطاعت و تبعیت از ایشان را نشانه ایمان و محبت به خدا (آل عمران/۳۱) و سرپیچی و روی گردانی از ایشان را نشانه کفر (مائده/۶۸) و فسق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲، ۶۳۹) می‌داند (سوره حجرات)؛

برای نمونه در آیه ۴۳ سوره رعد، خدا خود را ولی امر رسالت دانسته و به پیامبرش دلداری داده و از او دفاع می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۸۳) و منکران رسالتش را به کفر معرفی می‌کند؛ خود پیامبر نیز موظف به معرفی خود با معجزات گوناگون، خبرهای غیبی و بیان‌های متعدد است. یکی از بارزترین آنها قضیه مباحله با مسیحیان نجران (آل عمران/۶۱) برای اثبات رسالت حضرت از ناحیه خدا و حقانیت دین اسلام است.

رهبر انقلاب در اهمیت این جریان فرموده: هیچ سابقه نداشته است که در راه تبلیغ دین و بیان حقیقت، پیغمبر دست عزیزان خود را بگیرد و وسط میدان بیاورد؛ استثنائی بودن روز مباحله به این شکل است؛ یعنی نشان دهنده این است که بیان و ابلاغ حقیقت چقدر مهم است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸) همه این جریان‌ها برای تثبیت رسالت حضرت و در دفاع از ایشان صورت گرفته است.

ج. تقویت معادباوری

از اقدامات دیگری که حضرت برای معرفت‌افزایی، تکمیل و تثبیت اندیشه‌های مخاطبان برمی‌داشت، تقویت معادباوری بود و برای همین منظور است که قریب به يك سوّم آیات قرآن به همین موضوع می‌پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷/۵) و نبی مکرم اسلام(ص) در سخن‌ها، استدلال‌ها و برخوردها، چه در جنگ

و چه در صلح، در مسجد و غیر آن، همواره معاد را مطرح و مردم را به یاد معاد و قیامت متذکر می‌کرد. در سیره پیامبر (ص)، هر رخداد بزرگ یا کوچکی که به وقت می‌پیوست و نشانه زوال و نفاذ بود، پیامبر آیۀ مبارکۀ «إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) را بر لب جاری می‌کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳۷) لذا امام خامنه‌ای، با توجه به کارکردهای این مسئله، فرمودند: «مسئله دومی که [در باب محتوای اسلامی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت] مسئله اساسی است، قضیه معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن قضایا با مرگ است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزله/۷). وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و ما در آن زندگی واقعی که حیوان است (إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ هِيَ الْخَيْرُ الْأَعْلَى). (عنکبوت/۶۴))، این اعمال را در مقابل چشممان خواهیم دید، آن وقت اگر برای انجام تکلیف، چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) و پرواضح است که جامعه و افرادی که مرتب به یاد معاد و روز واپسین باشند، از نظر فرهنگی در رشد و سعادت خواهند بود.

د. معرفت و بصیرت‌افزایی

اصل معرفت و بصیرت‌افزایی یکی از اصول اساسی اسلام و اهداف رسالت انبیاء است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي.» (یوسف/۱۰۸) که قرآن کریم با واژه‌های متعددی مانند تفکر، تعقل، تعلم این مهم را دنبال می‌کند. قرآن مجید در کنار دعوت به تفکر و تعقل، با طرح سؤالات و استدلالاتی، مخاطب را به تفکر وامی‌دارد. (دیاری بیگدلی و خیراندیش، ۱۳۹۷: ۱۳۱) لذا پیامبر (ص) برای ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی جامعه، این مهم را دنبال می‌کرد. (آقداغی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

رهبر انقلاب در بیان مدیریت بی‌نظیر پیامبر اعظم (ص)، یکی از کارهای مهم را افزایش علم و معرفت شمرده و فرمودند: «در نظام نبوی، پایه همه چیز دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص به نیروی فعال (نه نیروی منفعل) بدل می‌کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) ایشان با اشاره به آیات ۸ تا ۱۰ سوره ملک فرمودند: «این یک تصویر قرآنی از روز قیامت است؛ اما اشاره رسایی است به یکی از اصول اساسی اسلام که آن عبارت است از اصل تعقل و تدبیر.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۰) تبلیغ آموزه‌های دین به دست رسول رحمت (ص) و ارسال مبلغ نیز در راستای افزایش معرفت و بصیرت و اندیشه‌سازی بوده است.



۲. انسان‌سازی

راهکار دیگری که پیامبر خدا(ص) در طول رسالت خویش، دنبال می‌کرد، انسان‌سازی بود که برای این مهم از روش‌هایی بهره بردند:

الف. عزت‌بخشی

در جامعه مدنی صدر اسلام از بی‌ارزش‌ترین چیزها انسان، حیثیت و شخصیت او بود که به راحتی مورد هجومه قرار می‌گرفت، کشته می‌شد و با مقداری پول معاوضه می‌شد. هم‌وغم چنین انسانی شهوت مال و مقام و... بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۲/۴) انسان در آن جامعه، افق دیدی برای خود نداشت؛ نهایت افق دیدش حمایت از عشیره و عزت‌های پوشالی مانند رئیس قبیله، پول و ثروت بود. (علیانسب، ۱۳۹۴: ۷۲) اما پیامبر اسلام با تعریف جدیدی که از انسان و دنیا و متافیزیک در طول تاریخ و جامعه مدنی صدر اسلام، به انسان ارائه داد، توانست تحولی عظیم در افکار، روحیات و رفتار آنها ایجاد کند.

مقام معظم رهبری بنای مدیریت فرهنگی پیامبر را انسان‌سازی و اصلاح اخلاق و رفتار دانسته و فرمودند: «[پیامبر] انسان‌ها را تزکیه و از مفسد و رذائل اخلاقی پیراسته و پاک می‌کند؛ انسان با اخلاق و مزگی می‌سازد؛ "يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ" (آل عمران/ ۱۶۴) تزکیه یکی از آن پایه‌های اصلی است؛ یعنی پیغمبر روی یکایک افراد کار تربیتی و انسان‌سازی می‌کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

نکته قابل توجه در انسان‌سازی حضرت، این بود که ایشان با توجه به فطریات انسان، مانند عزت‌خواهی و کرامت‌طلبی، هدف‌گذاری خود را تنظیم کرد و توانست با توجه به همین روحیات فطری و روان‌شناختی (علیانسب، ۱۳۹۴: ۵۹)، علاوه بر اینکه عزت را فقط و فقط اختصاص به خدا بداند (نساء/ ۱۳۹)، انسان متصل به خدا را نیز دارای چنین عزتی (منافقون/ ۸) معرفی کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) و ارزشی بی‌نظیر برایش قائل شود (بقره/ ۳۰ و ۳۱). نتیجه چنین تربیتی این شد که انسان جاهلی که تمام حیاتش در نزاع و درگیری با خودی‌ها و طایفه‌های اطراف و هم‌کیش خود بود، به جایی رسید که در مقابل دشمنان، استوار شده و با برادران ایمانی‌اش مهربان شود.

امام خامنه‌ای با اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح فرمودند: «توکل، توجه به خدا، تذکر، خضوع در مقابل پروردگار و در یک کلام، معنویتی بی‌نظیر حاصل تربیت اسلامی است؛ انسانی که با برادران ایمانی رابطه از روی رحمت دارد، اما در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوه استوار می‌ایستد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

مطالعات علمی و پژوهشی
مؤسسه پژوهشی و فرهنگی
پایان نامه

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

ب. توجه به دو بال ایمان و عمل

مهم‌ترین مشکل تمدن کنونی غرب، نگاه تک‌ساحتی به انسان است و همین نقیصه آن را به ورطه سقوط سوق داده است. اضمحلال مارکسیسم که خود بخشی از تمدن غرب به‌شمار می‌آید، محصول همین نگاه تک‌ساحتی به انسان بود. همین عامل در لیبرالیسم نیز به‌گونه‌ای دیگر وجود دارد و آثار مخرب آن، امروزه، کاملاً نمایان شده است. (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۳۵) اما انسان‌شناسی اسلامی یا باور و نگرش دین اسلام درباره انسان، مبنای توجه نظام سیاسی اسلام به نیازهای انسانی است؛ زیرا انسان‌شناسی و جهان‌شناسی یا نگرش هر مکتب به انسان و جهان، پایه برنامه‌ها و بایدها و نبایدهای آن را شکل می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۲/۶۶۳) لذا رسول رحمت (ص) برای انسان‌سازی، به دو بال ایمان و عمل، به صورت هم‌زمان، توجه داشت و قرآن کریم نیز به عدل هم بودن این دو برای رشد و سعادت، تأکید دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱/۱۴۲) و چه زیبا رهبر فرزانه انقلاب با اشاره به آیه ۵۵ سوره نور، به این مهم اشاره کرده‌اند: «هر قوم، هر ملتی و هر جمعیتی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خلیفه خدا در زمین خواهد شد؛ یعنی قدرت را در زمین در دست خواهد گرفت... اگر ایمان باشد، ولی عمل صالح نباشد، خلیفه خدا در زمین نخواهند شد. ایمان خشک و خالی و ایمان بی عمل، نتیجه [چندانی] ندارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۱) امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره فرمود: «فَالْإِيمَانُ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

ج. توجه به ویژگی‌های روانشناختی

یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌هایی که قرآن کریم و به تبع آن، رسول گرامی اسلام (ص) برای انسان‌سازی، پیشه خود قرار داده، رشد و بالندگی افراد با زمینه‌سازی برای جوشش درونی آن‌ها است که ثمره آن رشد و تحولی باشد که انسان‌ها از درون، خود را موظف به اجرای آن آموزه‌ها بدانند. (علیانسب، ۱۳۹۴: ۵۹) و به عبارت دیگر، استفاده از اهرم‌های دستور، اجبار، اکراه و... به حداقل تنزل یابد؛ قرآن با طرح داشتن فطرت پاک، اختیار، اشرف مخلوقات و خلیفه الهی بودن انسان، جایگاه و مقام او را گوشزد می‌کند تا قدر خود را دانسته و خود را به هیچ و پوچ نفروشد؛ تذکر به کنترل از درون، یعنی تقوا، یکی از آموزه‌هایی است که مکرر، پیامبر خدا (ص) متذکر آن است. (حشر/۱۷) نتیجه چنین تربیتی این می‌شود که نه تنها انسان‌ها ساخته می‌شوند، بلکه قیام به عدالت می‌کنند («يُقِيمُونَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ»؛ حدید/۲۵) و به یاری پیامبران می‌شتابند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹/۴۷۲)



رهبری معظم، با توجه به ظرفیت انسان و توجه به ویژگی‌های او، فرموده‌اند: «بعثت [پیامبر] متعلق به انسان و برای انسان است؛ انسان هم لایتناهی است و ابعاد عظیمی دارد و محدود در جسم و در ماده و در زندگی چندروزه دنیا نیست... بعثت برای این انسان و برای سرنوشت این انسان و برای هدایت این انسان است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

د. تعیین حقوق شهروندی

در صدر اسلام و دوران جاهلی، نه تنها افراد، به‌ویژه زنان و فقرا و یتیمان، از کم‌ترین حق برخوردار بودند، بلکه همه افراد قبیله تابع رئیس قبیله بوده و روابط و پیوندهای مستحکم خونی و قبیله‌ای در فرهنگ عرب جاهلی، یک اصل غیرقابل خدشه بود. (آقداغی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱) در حوزه خانواده و اجتماع، همواره تبعیض و نابرابری برقرار بود؛ زیرا سنت‌های قومی و نیاکانی، معیار اصلی روابط به‌شمار می‌رفت. مردم روزگار جاهلیت فرزند پسر را بر دختر ترجیح می‌دادند؛ زیرا دختر را مایه ننگ می‌دانستند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۳۲۳/۱) پدر بر همه امور خانه سلطه داشت و ارث بردن فقط حق مرد بود و زنان و کودکان از ارث محروم می‌شدند. (برو، ۱۴۲۲: ۲۶۸)

رهبر انقلاب جاهلیت قبل از اسلام را مسئله‌ای برای همه دنیا دانسته و فرموده‌اند: «برده‌داری به بدترین شکلش، معامله با ضعفا به بدترین شکل، مسئله زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل، همه، جاهلیت بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸) یکی از بهترین تصاویری که قرآن مجید از دوران جاهلی عرضه کرده در آیات ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره انعام وجود دارد که در آن دستور به پایمال نشدن حقوق، مانند فرزندکشی، قتل، دستبرد به مال یتیم، عدالت در خرید و فروش و وفای به عهد، وارد شده است. پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با چنین جامعه‌ای، نه تنها برای آحاد جامعه اسلامی، حقوقی باعنوان حقوق شهروندی، همچون حق عدالت (نساء/۱۳۵)، حق حیات (بقره/۱۷۹ و مائده/۳۲) و حق رفاه و امنیت (نور/۵۵ و اعراف/۳۲) معین کرد، بلکه حضرت برای اقلیت‌های مذهبی نیز حق شهروندی قائل شدند (هاشمی خانعباسی، ۱۳۹۵: ۹۲۰) و همه آحاد جامعه را در قبال یکدیگر مسئول معرفی کرد. (آل عمران/۱۱۰) (ورام‌بن‌آبی فراس، ۱۴۱۰: ۶/۱)

امام خامنه‌ای توجه به حقوق شهروندان در اسلام را یک اصل اساسی دانسته و برای نمونه فرمودند: «اسلام در خصوص ایتمام، دستوراتی دارد که اگر به آنها عمل شود، این مسئله حل خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳)

۳. اخلاق مداری

پیامبر اسلام (ص) نه تنها خود اخلاق مدار بود، بلکه یکی از اهداف والای رسالتش تکمیل مکارم اخلاقی است: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸) و آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی و هدف‌های والای بعثت پیامبر می‌رساند، اخلاق نیکوست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵) رسول خدا (ص) در ترویج اخلاق مداری از روش‌هایی بهره می‌بردند:

الف. عطوفت و مهربانی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برجسته رسول رحمت (ص) اخلاق نیک و ستودنی ایشان است؛ خداوند پیامبر خود را به عظمت اخلاقی می‌ستاید. (قلم/ ۲) و وقتی خدای سبحان از چیزی به عظمت یاد کند، معلوم می‌شود که از عظمت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۸/۸) نرم‌دلی (آل عمران/ ۱۵۹) و مهربانی و عطوفت پیامبر رحمت (ص) (توبه/ ۱۲۸)، ویژگی‌ای است که حتی از آن می‌توان تعبیر به معجزه کرد؛ چراکه ایمان اهل مدینه نه از ترس شمشیر و جنگ بود و نه به خاطر طمع، بلکه یکی از مهم‌ترین دلایل آن آوازه اخلاق و رفتار نیک حضرتش بود که سبب شد اهل مدینه اشتیاق حضور حضرتش را داشته باشند و پروانه‌وار گردش حلقه‌زندان و در یک جمله، راز موفقیت او در تألیف قلب‌ها، محبت و ملایمت او بود که از صد لشکر قوی‌تر است. (جلیلی/ ۱۳۸۸)

آیت‌الله خامنه‌ای اخلاق و رفتار نیک پیامبر (ص) را موجب متحول شدن مردم دانسته و فرمودند: «وقتی پیغمبر ما حکومت تشکیل داد، مردم به او عشق می‌ورزیدند. وقتی ابوسفیان در شب قبل از فتح مکه، به وسیله عباس (عموی پیغمبر)، آهسته و مخفیانه، در اردوگاه مسلمین گردش کرد و هنگام صبح دید که مردم آب وضوی پیغمبر را از یکدیگر می‌ربایند و به سر و صورتشان می‌ریزند، به عباس گفت: "عجبا! من کسری و قیصر، پادشاه ایران و امپراطور روم را دیدم؛ اما شوکتی را که برادرزاده تو دارد، در هیچ‌کدام از آنها ندیدم. آنها به زور و با سرنیزه بر مردم حکومت می‌کردند؛ اما پیامبر، بر دل‌های مردم حکومت می‌کند." چنین حکومتی با چنان پایه و قاعده مردمی است که می‌تواند اصلاحات کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱)

ب. دلسوزی

رسول رحمت (ص) در هدایت مردم، سرازپا نمی‌شناخت و غم‌خوار و دوستدار مؤمنان بود و خدای متعال با تعبیر «پیامبر از خودتان است» (توبه/ ۱۲۸)، گویی



به این نکته اشاره دارد که پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده و از این رو با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۸) لذا در راه هدایت آنها، خود را به هر زحمت و مشقتی می‌انداخت؛ بنابراین، خدای متعال فرمود: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه/۲)؛ علامه طباطبایی در معنای آیه، فرمود: «ما قرآن را نازل نکردیم برای اینکه خود را به تعب اندازی و در راه تبلیغ آن و دعوت مردم به ستوه آیی.» (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۱۹/۱۴)

یکی از ویژگی‌های مهم رهبر و مدیر، آن هم در مقیاس جهانی، دلسوزی است؛ نه فقط دلسوزی برای سرنوشت قوم خود، بلکه برای آحاد بشر. امام خامنه‌ای با اشاره به آیه ۱۲۸ سوره توبه فرمودند: «این دو جمله اول آیه مربوط به همه آحاد بشر است...: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»؛ رنج شما آحاد بشر بر پیامبر اعظم گران می‌آید و او از رنج شما رنج می‌برد؛ «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»؛ دلسوز شما است، مشتاق شما است، علاقه مند به سرنوشت شما است؛ این خطاب به همه آحاد بشر است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹)

ج. مدارا و گذشت در کنار صلابت و قاطعیت

قلب پیامبر دارای دو صفت ممتاز نرمی و صلابت است؛ نرمی دل رسول اکرم (ص) از آیه ۱۵۹ آل عمران و صلابت آن از مقایسه با کوه فهمید می‌شود؛ زیرا کوه با همه صلابت در برابر وحی، توان مقاومت ندارد (حشر/۲۱)، ولی قلب رسول اکرم آن را تحمل می‌کند (مزمّل/۵). (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۳/۸) و چنین ویژگی‌ای یکی از راهبردهای مهم در مدیریت فرهنگی است؛ یعنی استفاده از دو شیوه مدارا و قاطعیت یا صلابت و نرمش. (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۵۵/۴) همان‌که نبی مکرم (ص) در برخورد با برخی از رفتارها و عقاید جاهلی، از این دو استفاده می‌کرد؛ جایی که نمی‌شد با مدارا و نرمش کار را پیش برد، با رد و ابطال قاطع آن، فرهنگ یا افراد را ریشه‌کن یا طرد می‌کرد (انفال/۵۷ و توبه/۵۳ و ۵۴). (دیاری بیگدلی و خیراندیش، ۱۳۹۷: ۱۳۴)

آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت به این مطلب فرمودند: «اسلام دین جامعی است؛ دین یک بعدی نیست. آن جایی که حکومت اسلام در مقابل زور و تجاوز و اغتشاش و تعدی از قانون قرار می‌گیرد، بایستی با قدرت، با قاطعیت، با خشونت (از اسم خشونت که نباید ترسید) رفتار کند؛ اما آنجایی که در مقابل آحاد مردم و برای کمک به مردم است، نه؛ آنجا رفتار عمومی حکومت اسلامی با مردم خود، با رفق و مدارا است (توبه، ۱۲۸).» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹) و اخلاق حکومتی



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

پیامبر چنین است: «در مقابل وسوسه‌های دشمن، هوشیار؛ در مقابل مؤمنین، خاکسار.» (خاتمه‌ای، ۱۳۷۹)

د. مردمی و دردسترس بودن

مدیر موفق کسی است که از مردم، با مردم و در بین مردم باشد. (فرقان/ ۷ و ۲۰) حضرت نه تنها حاجب و دربانی نداشت، بلکه آن قدر با مردم گرم می‌گرفت و در بین آنها حضور می‌یافت که مورد طعن و کنایه مشرکین نیز قرار گرفت و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!» (فرقان/ ۷) وقتی بنا شد مسجد بسازند، پیغمبر جزو اولین کسانی بود که بیل به دست گرفت؛ نه در مقام یک کار تشریفاتی، بلکه واقعاً شروع به کار کرد. پیغمبر نشان داد که هیچ حق اختصاصی برای خودش قائل نیست؛ اگر بناست کاری انجام گیرد، او هم باید در آن سهمی داشته باشد. (خاتمه‌ای، ۱۳۸۰) این روش، حلقه مفقوده مدیران و مراجعه‌کنندگان است که مشکلات بسیار زیادی را در سازمان‌ها ایجاد کرده است.

۴. تشکیل حکومت اسلامی

استقرار حکومت اولین تکلیف همه انبیای الهی محسوب می‌شود. (خاتمه‌ای، ۱۳۷۷) و بر همین اساس، تشکیل حکومت اسلامی آرزوی همه اولیاءالله در طول تاریخ بوده است. (خاتمه‌ای، ۱۳۷۴) پیامبر رحمت (ص) نیز پس از ورود به مدینه، نخستین پایه‌های حکومت اسلامی را بنا نهاد و پس از پیروزی در جنگ بدر، این مسئله آشکارتر گشت؛ یعنی رسماً حکومت و دولتی کوچک، اما قابل رشد، تشکیل گردید. (مکارم، ۱۳۷۱: ۹۸/۱) تلاش پیامبر این بود که حکومتی کامل ایجاد کند تا آن را برای ابد در تاریخ، الگو قرار دهد تا هرکسی در هر جای تاریخ (از بعد از زمان خودش تا قیامت) توانست، مثل آن را به وجود آورد و در دل‌ها، شوق ایجاد کند تا انسان‌ها به سوی چنان جامعه‌ای بروند. (خاتمه‌ای، ۱۳۸۰) پیامبر اعظم (ص) با روش‌هایی، این حکومت را تشکیل و تثبیت کرد:

الف. رهبری و مدیریت

مدیریت و رهبری از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در موفقیت و تعالی جوامع و سازمان‌ها است (عارف‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۶۰) و رضایی (۱۴۰۱) به نقل از مورهدا و گریفین ۲ در تعریف رهبری آورده: «رهبری به عنوان یک فرایند، عبارت است از

1. Morhed
2. Griffin



قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیت‌های اعضای گروه، به منظور دستیابی به هدف،» (مورهد و گریفین، ۲۰۰۱) و اسلام که دینی کامل و جامع است، تنها به مسائل فردی یا خانوادگی ورود نکرده و چون مسائل اجتماعی و وظایف مهم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد، به مسئله حاکمیت هم اهتمام دارد. نمی‌توان فرض کرد که اسلام نظم اجتماعی را به یک شکلی مطالبه کند، اما مسئله حاکمیت و ریاست دین و دنیا را در آنجا مشخص نکند؛ بنابراین لازم است که مشخص کند در رأس این جامعه، چه کسی باشد، چه باشد و امام را معین کند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۰) به همین دلیل، قرآن کریم از پیامبر، تعبیر به امام و رهبر (مائده/۹۲) می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۶) و هنگامی که پیامبر اکرم به مدینه وارد شد، اول کاری که کرد، تشکیل قدرت سیاسی و اجتماعی بود؛ یعنی تشکیل حکومت داد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹)

ب. قانونی جامع و اجرای درست آن

«اسلام با تشکیل حکومت در مدینه و تشکیل جامعه مدنی نبوی، نشان داد و ثابت کرد که اسلام فقط نصیحت کردن، موعظه کردن و دعوت کردن به زبان نیست. اسلام می‌خواهد حقایق احکام الهی در جامعه، تحقق پیدا کند؛ این جز با ایجاد قدرت الهی امکان پذیر نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) و حکومت، بدون داشتن قانون و برنامه‌ای جامع، سرنوشتی جز فنا و نیستی نخواهد داشت. و اصلاً «جامعه مدنی، به معنای جامعه مردم‌سالار، جامعه‌ای است که در آن مقررات و قانون حاکم است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷) لذا می‌بینیم که «قرآن کریم» همراه با «رهبر و مدیری شایسته»، دو بازوی موفق برای گسترش اسلام بودند. قرآن مجید، قانون اساسی اسلام، نه تنها کتاب بزرگ تعلیم و تربیت و زیربنای همه برنامه‌های اسلامی و عقاید و اعتقادات است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱/۱)، بلکه به تمام نیازهای معرفتی (حدید/۴)، گرایشی (آل عمران/۱۸۰)، رفتاری (احزاب/۲۱)، مادی (روم/۲۱)، معنوی (بقره/۱۵۳) و حتی فوق مادی (انفال/۲۹) توجه داشته و برای پاسخ‌گویی به آنها برنامه ارائه می‌دهد و به پیامبرش نیز دستور می‌دهد که قرآن برای این نازل شده که شما برای مردم تبیین کنی (نحل/۴۴) و اصلاً مهم‌ترین تعلیمات پیامبران (علیهم السلام) پس از خداشناسی، رسالت‌شناسی و معادشناسی، دنیاشناسی، انسان‌شناسی و شیطان‌شناسی است و فراگیری این امور، بسیاری از مشکلات را می‌گشاید. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳/۴۸۱)

پیامبر خدا (ص) نه تنها خود محکوم و مطیع قوانین قرآن بود، بلکه اصحاب را به گونه‌ای تربیت کرده بود که تعصب شدیدی نسبت به آیات و احکام قرآن داشتند.

(طباطبایی، ۱۴۱۹: ۲۵۶/۹) بنابراین پیامبر (ص) حافظ و نگهدارنده ضابطه و قانون بود و نمی‌گذاشت قانون (چه به دست خودش و چه به دست دیگران) نقض شود. خودش هم محکوم قوانین بود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

ج. تثبیت ولایت رسول الله و محوریت ایشان

پیامبر در آغاز ورود به مدینه، پیمان نامه‌ای صادر کرده و طرح کلی تشکیلات اداری و سیاست‌های اصلی حاکم بر اداره جامعه نوپای مدینه را ترسیم نموده است. (هاشمی خانباسی، ۱۳۹۵: ۹۲۰) یکی از مهم‌ترین مواد آن تأکید بر محوریت رسول خدا در مرجعیت و زعامت جامعه نوپای مدینه و امت نوظهور اسلامی است. (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۸) قرآن در آیات فراوانی به این مهم تأکید کرده است؛ گاهی با لزوم اطاعت (آل عمران/۱۳۲)، گاهی با رجوع به ایشان در منازعات (نساء/۵۹) و گاهی با حق ولایت و سرپرستی ایشان بر مؤمنان. (احزاب/۶) و علت این همه تأکید خدای متعال این است که حاکمیت و ولایت رسول خدا (ص) چیزی است که موجب می‌شود، اطاعت و تأسی به وجود مقدس آن حضرت عملی شود. (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۴/۱۹۰) اما پیامبر عزیز خدا (ص) شخصی نبود که بخواهد مانند پادشاهان، محور جامعه بوده و با قوه قهریه بر آنها حکومت کند، بلکه ولایت به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

د. تربیت جانشین، معرفی و تثبیت آن

مدیر موفق کسی است که کادرسازی داشته باشد و برای مواقع لزوم و بعد از خودش، جانشین تربیت کرده باشد؛ پیامبر (ص) اهل دوراندیشی بود و از همان روزهای اول رسالت خویش، به دنبال تربیت جانشین، معرفی و تثبیت او بود و از هر فرصت و موقعیتی برای این کار استفاده می‌کرد که برای نمونه، می‌توان به اولین مورد آن در قضیه و آخرین مورد آن اشاره کرد. چراکه معرفی جانشین برای استمرار نظام توحیدی و فرهنگ ناب اسلامی امری لازم است.

امام خامنه‌ای می‌فرماید: «یک جامعه، یا زیر سرپرستی امام عادل است یا در اختیار انسان‌هایی است که از حق بیگانه‌اند و در موارد بسیاری با حق عناد می‌ورزند. اسلام با تشکیل حکومت در مدینه و تشکیل جامعه مدنی نبوی، نشان داد و ثابت کرد که اسلام فقط نصیحت‌کردن، موعظه‌کردن و دعوت‌کردن به زبان نیست. اسلام می‌خواهد حقایق احکام الهی در جامعه، تحقق پیدا کند؛ این جز با ایجاد قدرت الهی امکان‌پذیر نیست. بعد هم، پیغمبر اکرم در پایان عمر



مبارکش، به دستور الهی، به الهام الهی، نفر بعد را خودش معین کرد. این مضمون غدیر است؛ بنابراین مسئله غدیر، فقط مسئله شیعه نیست؛ مسئله مسلمانان، بلکه مسئله همه انسانهاست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

۵. فضا سازی و ایجاد جو فرهنگی و معنوی

از مسائل پیش‌ران فرهنگ و تربیت، قرار گرفتن و قراردادن مردم در فضایی مملو از معنویت است که نمونه آن در ایام دفاع مقدس و اربعین، قابل مشاهده است. پیغمبر اسلام (ص) برای اینکه ارزش‌های اسلامی و اخلاق اسلامی در جامعه، کاملاً جا بیفتد و با روح، عقاید و زندگی مردم مخلوط شود، فضای زندگی را در محیط نظام اسلامی با ارزش‌های اسلامی آغشته می‌کرد. یک وقت کسی به مردم دستور می‌دهد یا توصیه می‌کند، اما یک وقت آن کاری می‌کند؛ رفتاری در پیش می‌گیرد که این اخلاق و وظیفه اسلامی در جامعه به شکل و رنگ ثابت درمی‌آید... کاری می‌کند که فضای جامعه محیط زندگی مردم، با این صفت، با این اخلاق، با این روش خوب، کاملاً ممزوج می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸)

الف. رواج خوش بینی و پرهیز از بدگویی و بدبینی

قرآن کریم هدف بعثت انبیا را تزکیه و تعلیم بیان می‌کند و در چهار مورد، مسئله تعلیم و تربیت با عنوان هدف انبیا، با هم ذکر شده است. در سه مورد، تزکیه و تربیت بر تعلیم مقدم شده (بقره/۱۵۱ و آل عمران/۱۶۴ و جمعه/۲) و تنها در یک مورد، تعلیم بر تربیت مقدم شده است؛ این تعبیر ضمن اینکه نشان می‌دهد این دو امر در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، اصالت تربیت را مشخص می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰۷/۲۴)

رهبری، مراد از تزکیه که در قرآن مقدم بر تعلیم شده را فضا سازی و ترویج اخلاق درست در سطح جامعه، بیان می‌کند و در تبیین اولین روش عملیاتی شدن این راهکار می‌فرمایند: «اعراب جاهلی دوران رسول اکرم (ص) بین خودشان حقدها و سوء ظن‌های زیادی داشتند و پیغمبر اکرم باید اینها را از دل‌های مؤمنان بیرون می‌کشید و دل‌های آنها را نسبت به یکدیگر پاک و صاف و روشن می‌کرد؛ لذا می‌فرمود: «لَا يَلْبِغُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عَنْ أَصْحَابِي شَيْئًا فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُخْرَجَ إِلَيْكُمْ وَأَنَا سَلِيمٌ الصَّدْرُ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۷).» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸)

نهی از نجوا و درگوشی صحبت کردن با پیامبر (مجادله/۱۱)، حادثه افک و تویبش شدید خدای متعال (نور، ۲۱-۱۱) نیز برای پیاده شدن همین جو در جامعه، بوده است. امام خامنه‌ای با اشاره به این روش و آیات سوره نور فرمودند: «یکی

از کارهای رسول اکرم (ص) این بود که فضای جامعه را به شکل فضایی مهربان و سرشار از مهر و محبت که همه مردم در آن، نسبت به یکدیگر محبت می‌ورزند و به چشم حسن ظن و خوش بینی به یکدیگر نگاه می‌کنند، بسازد و به وجود بیاورد.» (خاتمی، ۱۳۶۸)

ب. ایجاد و گسترش احساس مسئولیت مسلمانان به یکدیگر

مورد دیگر از تلاش فضا سازی پیغمبر، خارج کردن مسلمانان در جامعه اسلامی از حالت بی تفاوتی نسبت به یکدیگر و تبدیل آن به فضای محبت، همکاری، برادری و ایجاد یک مجموعه همکار با یکدیگر است. پیامبر نمی‌گذاشت در جامعه اسلامی (تا آنجایی که آن بزرگوار حضور داشت و در سعه وجود آن بزرگوار بود)، حتی یک مورد هم، مسلمان‌ها بغض و کینه و عداوتی نسبت به کسی داشته باشند؛ یعنی پیغمبر با حکمت و حلم خود، حقیقتاً، یک محیط شیرین و سالم و فضای آغشته به محبت را به وجود می‌آورد. (خاتمی، ۱۳۶۸) ایجاد عقد اخوت با آن شیوه‌ای که حضرت اجرا کرد نیز می‌توان در راستای احساس برادری و دوری از بی تفاوتی تحلیل کرد.

ج. نمادسازی با مسجد، اذان، نماز جمعه و جماعت

وقتی فرهنگی گسترش پیدا کرده و فراگیر می‌شود که با روش‌هایی از کهنه شدن و فراموش شدنش جلوگیری شود و پیامبر اعظم (ص) با توجه به همین نکته، دست به ابتکاراتی زدند که این مهم، به خوبی، محقق شود. یکی از این نوآوری‌ها که برای انسجام و تجمع مسلمانان نیز بود، مسجد است. (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۱۷) «پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است؛ خانه خدا و خانه مردم؛ خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند.» (خاتمی، ۱۳۸۹) بنابراین پیامبر رحمت (ص) با ساخت نماد مسجد و در کنار آن استفاده از اذان، نماز جماعت، نماز جمعه، کاری کرد که یاد خدا در جامعه همیشگی باشد. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۱۴/۱) عبادت خدای متعال به صورت آشکار انجام گیرد و آثار آن مشهود



د. علاوه بر اینکه، **فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالْتِقْوَى وَالزَّجْرَ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ..** (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۷/۸) «مسجد فقط پایگاه مسائل اجتماعی نیست، بلکه پایگاهی است برای همه مسائل نیک، مانند انسان سازی، خودسازی، مقابله با دشمن، تمدن سازی و بصیرت افزایی... و پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵)

د. ایثار و گذشت و ترویج روحیه جهاد و شهادت

پیامبر عزیز اسلام (ص) توانست در مدتی کوتاه، آن چنان عشق و علاقه به دین و فرهنگ دینی در امت خود، ایجاد و درونی کند که فرهنگ جهاد و شهادت طلبی (جریان لیلۃ المبیت (بقره/۲۰۷) به عنوان ارزش در سطح جامعه، ترویج شود؛ به گونه‌ای که اگر کسی قدرت بر شرکت نداشت، از شدت ناراحتی گریه می‌کرد. (توبه/۹۲) و همینان وقتی در مقابل دشمنان قرار می‌گرفتند، منتظر یکی از دو چشم‌روشنی و افتخار بودند. (إِحْدَى الْمُحْسِنِينَ (توبه، ۵۲)). سفر مقدس جهاد و یا صحنه رویارویی با دشمن و یا فتح و حتی شکست، زمان مناسبی بود تا اصول اخلاقی و ارزشی، طرح و آموزش داده شود. (جان احمدی، ۱۳۸۵: ۳۶). مقام معظم رهبری فرمودند: «یکی از ابزارهای مهم ادیان، مسئله جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و الا جهاد نخواهد شد. ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. این اعتقاد به معاد، از بین نرفتن اعمال و وجود زندگی واقعی «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لِمَنِ الْحَيَاةُ» (عنکبوت، ۶۴) است که این را منطقی و عقلانی می‌کند. وقتی ما چنین اعتقادی داشته باشیم دیگر با از دست دادن چیزی، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

۶. ایجاد امت واحد

وحدت و ایجاد امت واحده از چنان اهمیتی برخوردار است که از نظر دانشمندان و مورخان، حتی دانشمندان و مورخان غیرمسلمان، مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده‌اند؛ برای نمونه، «جان دیون پورت»، دانشمند معروف انگلیسی، می‌نویسد: «محمد، یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین، آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰/۳) رسول رحمت (ص)، با توجه به کارکردهای این راهکار اساسی، با استفاده از روش‌هایی، آن را اجرایی کرد:

الف. طرح اخوت

اولین گام عملیاتی برای رسیدن به این مهم، به دست پیامبر خدا (ص)، به اقتضای شرایط آن زمان و دستور خدای متعال: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرُّوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران / ۱۰۳)، برقراری طرح برادری بود. (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۱۱) در سایه این سیاست، به زودی، مردم یثرب و مهاجرین، علاوه بر فرهنگ پذیری و همگرایی اسلامی، به وفاقی مبتنی بر اصول برادرانه، نائل آمدند. (جان احمدی، ۱۳۸۵: ۳۴) رهبر انقلاب در خلال بیان اقدامات رسول رحمت (ص) در مدینه، ایجاد اخوت را قدم بسیار مهمی شمرده و فرمودند: «اشرافی‌گری و تعصب‌های خرافی و غرور قبیله‌ای و جدایی قشرهای گوناگون مردم از یکدیگر، مهمترین بلای جوامع متعصب و جاهلی آن روز عرب بود. پیغمبر با ایجاد اخوت، اینها را زیر پای خودش له کرد... و با این کار، همه موانع وحدت اجتماعی را از بین برد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) و چه زیبا امیرالمؤمنین علیه السلام نتیجه چنین اقدام پیامبر (ص) را به تصویر کشیده: «دَفَنَ اللَّهُ بِالصَّغَائِنِ وَأَطْفَالِهِ التَّوَائِفَ بِهٖ إِخْوَانًا وَفَرَّقَ بِهٖ أَقْرَانًا عَزَّ بِهٖ الدَّلَّةَ وَأَذَلَّ بِهٖ العِزَّةَ.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۶)

ب. صدور پیمان نامه و گرفتن بیعت

جامعه مدنی آن زمان، دچار مشکلات (فتح/ ۴۸)، ناهنجاری‌ها (انعام/ ۵۱) و بحران‌های فراوانی بود. (دیاری بیگدلی و خیراندیش، ۱۳۹۷: ۱۳۱) پیامبر خدا (ص) برای حل این معضلات و برداشتن گام دیگری برای ایجاد امت واحده، پیمان نامه و منشوری را همان ابتدای حضور در مدینه، نوشتند و همه با آن هم عهد شده و با حضرت بیعت کردند. این کار علاوه بر انسجام درونی و تألیف قلوب، اتحاد بیرونی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی را نیز به دنبال داشت. (کارگران، و هاشمیان، ۱۴۰۱: ۲۳) در این پیمان نامه که علاوه بر اوس و خزرج، یهودیان مدینه نیز آن را امضا کردند، طرح کلی تشکیلات اداری و سیاست‌های اصلی حاکم بر اداره جامعه نوپای مدینه ترسیم شده بود. موادی مانند: اعلام تشکیل امت اسلامی مبتنی بر اخوت و ایمان به خدا و رسول خدا و الغای سایر ملاک‌ها، تأکید بر محوریت رسول خدا، معین شدن سازوکارهای امنیت داخلی مدینه. (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۸)

امام خامنه‌ای، با توجه به مشکلات جامعه مدنی، از جمله یهودیان و نوع تعامل آنها با اهل مدینه، به تدبیر پیامبر اعظم (ص) و میثاق دسته جمعی عمومی اشاره کرده و فرموده: «پیغمبر میثاقی نوشت که مورد قبول همه قرار گرفت. این میثاق درباره



تعامل اجتماعی، معاملات، منازعات، دیه، روابط پیغمبر با مخالفان، با یهودی ها و با غیرمسلمان ها بود. همه این ها نوشته و ثبت شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

ج. وجوب هجرت مسلمانان به مدینه

یکی از اقدامات اساسی و پیشران در ترویج فرهنگ اسلام و ایجاد امت واحده، هجرت بود: «هدف پیغمبر از هجرت به مدینه این بود که با محیط ظالمانه و طاغوتی و فاسد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که آن روز در سرتاسر دنیا حاکم بود، مبارزه کند و هدف فقط مبارزه با کفار مکه نبود؛ مسئله، مسئله جهانی بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) از همین روی، یثرب که با حضور پیامبر اعظم (ص)، مدینه‌النبی نام گرفت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۸۲) و شهری کوچک و تشکیل شده از چند طایفه با جمعیتی اندک بود که تعدادی قبیله نیز در اطراف آن زندگی می‌کردند (همان، ۱۷۶)، با ابتکار رسول خدا (ص) در این مرحله حساس، هجرت واجب شد: **«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا أَمْوَالَهُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا.»** (انفال/ ۷۲)

تدبیر دیگر پیامبر (ص) برای زیاد شدن مسلمانان، تقویت جبهه حق (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۵/۱۵) و شکل‌گیری حکومتی قدرتمند در مدینه، قرار دادن شرط هجرت به مدینه و سکونت در آن برای مسلمان شدن بود که بر آن تأکید داشت: **«أَيُّهَا النَّاسُ، هَاجِرُوا وَتَمَسَّكُوا بِالْإِسْلَامِ؛ فَإِنَّ الْهَجْرَةَ لَا تَنْقُطُ مَا دَامَ الْجِهَادُ،»** (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸: ۵۶۴/۱۴). امام خامنه‌ای در اهمیت هجرت در مواقع لزوم و تبیین آیه مذکور، می‌فرماید: «پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود نه فقط با ایمان؛ ایمان کافی نیست. پیوند ولایت که یک پدیده سیاسی، اجتماعی و یک حادثه تعیین‌کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کارکردن حاصل می‌شود؛ لذا این است که در نظام اسلامی، «ولئ» از مردم جدا نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

پیامبر اکرم (ص) هرگز از نقش تعیین‌کننده مهاجرت برای مهمترین رکن دگرگونی و انتقال فرهنگ، غافل نماند. (عقیلی، ۱۴۰۰: ۱۲۱) شاید متناسب با همین رویکرد در احادیث بسیاری با تأکید بر اهمیت هجرت، صحه نهاده: **«إِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ هَاجَرَ.»** (ابن سعد، ۴۰۴/۱) و نکته جالب اینکه توصیه پیامبر (ص) به امر هجرت در این مورد، خلاصه نشد و ایشان مکرراً به عدم هجرت، بعد از توطن و شهرنشینی، اشاره و تأکید داشتند. مذمت بازگشت به حیات جاهلی و یا صحراگزینی بعد از شهرنشینی (ابن شبه، ۱۹۹۰: ۴۸۲/۲)، موضوعی است که در سخنان حضرت مورد تأکید است. (جان احمدی، ۱۳۸۵: ۳۲) از این رو بود



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

که مسلمانان الزاماً باید گرد پیامبر جمع می‌شدند تا هم با اسلام و آداب آن آشنا شده و هم موجب تقویت حکومت نبوی شوند. (غراوی و اسلامی، ۱۳۷۶) حکم و جوب هجرت به مدینه همچنان باقی بود، تا زمانی که پیامبر (ص) مکه را فتح و خدا او را بر دشمنانش پیروز کرد و دیگر برای هجرت سببی باقی نماند. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۹۹/۲) لذا تا وقتی پایه‌های حکومت نبوی مستحکم شد، و جوب هجرت برداشته شد و برخی قبایل اطراف مدینه که مسلمان می‌شدند، با اجازه رسول خدا (ص) در سرزمین خود می‌مانند. (میرشفیعی، ۱۳۸۹: ۱۳۳/۱)

نکته آخر و سرنوشت‌ساز در زمینه هجرت، باتوجه به مسئله جری و تطبیق موضوعات و اوضاع کنونی ایران عزیز اسلامی، خطاب به نخبگانی است که از ایران می‌روند و بر نمی‌گردند: «[برخی نخبگان] در اینجا رشد می‌کنند؛ وقتی نوبت ثمردهی می‌رسد، می‌روند میوه‌شان را به دیگری می‌دهند؛ گاهی هم آن دیگری دشمن است؛ به دشمن می‌دهند؛ گاهی می‌روند می‌شوند پیچ و مهره استکبار جهانی برای تصرف ملت‌ها و دشمنی با ملت‌ها؛ بعضی این جوری هستند. خب این‌ها ناشکری می‌کنند؛ و البته خیر هم نمی‌بینند در آخر.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱)

د. اجرای عدالت

یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت انبیا علیهم السلام که در ایجاد امت واحده، دل‌گرمی، ترویج امید در جامعه و پذیرش حاکمان و فرهنگ مورد تأکید آنها، اثر بسیار زیادی دارد، مقوله عدالت و عدالت‌گستری است. (حدید/۲۵) و در جای دیگر، حضرت خود را مأمور به برقراری عدالت می‌داند: «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ.» (شوری/۱۵) عدالت ایجادکننده و مایه بقا و سلامت ارزش‌های انسانی در جامعه است. ارزش‌ها در زمین عدالت، شکوفا می‌شوند و ریشه می‌کنند و بقا می‌یابند (جوکار، ۱۳۹۹: ۱۳۴) و رعایت اعتدال، مدارا و مساوات در توسعه فرهنگ ارزشی اسلام، نقش بسزایی ایفا نموده است. شاید به همین خاطر است که پیامبر اعظم (ص) در ماه‌های ابتدایی ورود به مدینه، پیمان‌نامه‌ای با اهالی مدینه نوشتند و چندین بار در آن، بر عدالت تأکید کرده‌اند. (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۸)

امام خمینه‌ای قسط و عدل را از شاخصه‌های مهم حکومت نبوی برشمرده و فرمودند: «اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حقدار (بدون هیچ ملاحظه) است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) «[پیامبر] هرگز خلق و خوی مردمی و محبت و رفق به مردم و سعی در استقرار عدالت در میان مردم را فراموش نکرد؛ مانند خود مردم و متن مردم زندگی کرد؛ با آن‌ها نشست و برخاست کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)



نتیجه‌گیری

با وجود مشکلات فراوان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که در تبلیغ رسالت، پیش روی پیامبر خدا(ص) بود، حضرت به موفقیت‌های بسیار چشم‌گیر و اثرگذاری در طول تاریخ، دست یافت. با توجه به اینکه فرهنگ به مثابه فضایی برای حیات فرد و جامعه است که در آن حیات و فعالیت همگان جریان داشته و در واقع در جایگاه هدایت‌گر اصلی مادی و معنوی فرد و جامعه ایفای نقش می‌کند، یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت پیامبر اعظم(ص)، اگر نگوئیم مهم‌ترین محور فعالیت ایشان پی‌ریزی و مستحکم نمودن بنیان‌های فرهنگ اصیل اسلام بوده است، بخش مهمی از فعالیت ایشان صرف فرهنگ‌سازی، تثبیت و گسترش فرهنگ ناب محمدی(ص) شده است.

در این مقاله با رویکردی روشمند و عمل‌گرایانه، تلاش کردیم راهکارها و روش‌های عملیاتی کردن آن راهکارها را از قرآن کریم با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، استخراج و تبیین کنیم که به راهکار اصلی و ۲۴ روش فرعی برای عملیاتی کردن این راهکارها رسیدیم؛ البته خاطر نشان می‌کنیم که همه این راهکارها با برنامه‌ریزی دقیق و جامع و با تدبیر و محاسبه پیامبر صورت گرفته است.

امام خامنه‌ای با توجه به همین نکته، فرمودند: «پیامبر بعد از انجام کارهای مقدماتی ضروری، تدبیر و سیاست اداره آن نظام را طراح کرد. وقتی انسان نگاه می‌کند و می‌بیند، قدم به قدم، مدبرانه و هوشیارانه پیش رفته است، می‌فهمد که پشت سر آن عزم و تصمیم قوی و قاطع، چه اندیشه و فکر و محاسبه دقیقی قرار گرفته است که علی‌الظاهر جز با وحی الهی ممکن نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

در پایان چند نکته یا پیشنهاد ذکر می‌شود: با توجه به تعریف فرهنگ از نظر رهبری، راهکارها و روش‌ها را می‌توان در طیف بسیار وسیع‌تری دنبال کرد که مجال آن در یک مقاله چندصفحه‌ای نیست؛ یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که دیگران یا به آن نپرداخته یا کمتر به آن توجه کرده‌اند، فضا سازی و ایجاد جو معنوی و فرهنگی است که رهبر انقلاب به تفصیل به این راهکار و روش‌های عملیاتی که رسول رحمت(ص) از آن بهره گرفته‌اند پرداخته است؛

با توجه به اینکه درخشان‌ترین حکومت تاریخ به دست متنفذترین انسان در طول تاریخ، تشکیل شده، «زندگی پیغمبر را میلیمتری باید مطالعه کرد. هر لحظه این زندگی



یک حادثه است. یک درس است. یک جلوه عظیم انسانی است؛ تمام این ۲۳ سال همین طور است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷)؛
دلیل مغفول توجه و مطالعه زندگی و حکومت پیامبر رحمت (ص)، توجه کم و محدود به آیات قرآن مجید است که درد بسیار بزرگی است.



منابع

- قرآن مجید.
 نهج البلاغه.
 صحیفه سجادیه.
۱. آقداغی، میثم و حسین خنیفر، و حسن دانایی فرد، و مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۷). «واکاوی و فهم اصول اسلامی خط مشی گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص)»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱.
 ۲. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۹۰). «تاریخ پیامبر اسلام». قم: اندیشه مولانا، چاپ اول.
 ۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). «شرح نهج البلاغه». قم: بی نا، چاپ اول.
 ۴. ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹). «اسد الغابه». بیروت: دار الفکر.
 ۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). «من لا یحضره الفقیه». قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
 ۶. ابن سعد (بی تا). «الطبقات الكبرى». بیروت: دار صادر.
 ۷. ابن شبه (۱۹۹۰). «تاریخ المدینه المنوره». بیروت: دار التراث.
 ۸. ابن هشام (۱۳۸۳). «السیره النبویه». مصر: مکتبه محمد علی صبیح.
 ۹. باقری فرد، محمد حسین و عبدالله توکلی و مهدی الوانی (۱۳۹۵). «سازوکارهای تأثیرگذاری دین در فرآیند سیاست گذاری فرهنگی (با تأکید بر مرحله تدوین)»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، شماره ۵۰.
 ۱۰. باقری فرد، محمد حسین و عبدالله توکلی، و مهدی الوانی (۱۳۹۴). «سیاست گذاری فرهنگی در دولت دینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۷۵.
 ۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). «المحاسن». قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
 ۱۲. برو، توفیق (۱۴۲۲). «تاریخ العرب القديم». بیروت: دار الفکر.
 ۱۳. پیشابیی، مهدی (۱۳۸۶). «تاریخ اسلام». قم: دفتر نشر معارف، چاپ ششم.
 ۱۴. تقوی، حسین (۱۳۹۶). «شاخصه های نظام مندی حکومت رسول گرامی اسلام (ص)»، حکومت اسلامی، شماره ۴.
 ۱۵. توکلی، عبدالله و علیرضا محمدی و ارشیا خدایی (۱۳۹۶). «رهبری کوانتومی: چرایی، چیستی و چگونگی»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۲۱.
 ۱۶. توکلی، عبدالله و تقی موسوی و محمدتقی نوروزی (۱۴۰۰). «ارائه و تحلیل الگوی رهبری تحول آفرین از منظر قرآن کریم»، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، شماره ۴.
 ۱۷. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۵). «مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی (ص)»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۸.
 ۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۶). «آثار اسلامی مکه و مدینه». تهران: نشر مشعر، چاپ ششم.
 ۱۹. جلیلی، ابوالحسن (۱۳۸۸). «سیره پیامبر (ص) در برخورد با ناهنجاری ها (۱)»، فرهنگ کوثر، شماره ۷۸.
 ۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). «تسنیم». قم: اسراء، چاپ هشتم.
 ۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). «توحید در قرآن». قم: اسراء، چاپ اول.
 ۲۲. _____ (۱۳۷۹). «سیره رسول اکرم در قرآن». قم: اسراء، چاپ دوم.
 ۲۳. _____ (۱۳۸۰). «معاد در قرآن». قم: اسراء، چاپ اول.
 ۲۴. جوکار، حامد (۱۴۰۰). «روش حکومتی پیامبر (ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، تهران پردیس فارابی، شماره ۱.
 ۲۵. حاجی احمدی، محمود (۱۳۸۵). «پیامبر اسلام و تغییر ساختار فرهنگی جامعه جاهلی»، مجله

- علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۴.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). «وسایل الشیعه». قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
۲۷. حسینی خامنه‌ای، علی (۱۳۹۰). «انسان ۲۵۰ ساله». تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول.
۲۸. _____ (۱۳۹۹). «درس‌های پیامبر اعظم (ص)». تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ شش.
۲۹. _____ (۱۳۹۲). «شعاعی از نیر اعظم (رهیافتی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، درباره حضرت محمد مصطفی (ص))». تهران: سروش، چاپ اول.
۳۰. _____ (۱۳۹۲). «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن». تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول.
۳۱. دهخدا، علی‌اکبر و جعفر شهیدی و حسن احمدی‌گیوی و محمد معین (۱۳۷۷). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. دیاری بیگدلی، محمدتقی و ابوذر خیراندیش (۱۳۹۷). «راهبردهای حل بحران فرهنگی اجتماعی جاهلیت از منظر قرآن و حدیث»، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۳.
۳۳. رضایی، حسن (۱۴۰۰). «قرآن و مدیریت». قم: بی‌نا، چاپ اول.
۳۴. رضائیان، علی (۱۳۷۹). «اصول مدیریت». تهران: سمت، چاپ ۲۵.
۳۵. رضائی اصفهانی (۱۳۸۷). «تفسیر قرآن مهر». قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.
۳۶. سبحانی، جعفر (۱۳۹۵). «فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام». تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ ۳۸.
۳۷. شفیعی، عباس (۱۳۹۷). «رهبری و تحول سازمانی در اسلام». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۳۸. شفیعی، عباس (۱۴۰۰). «مدیریت راهبردی با رویکرد اسلامی». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۳۹. صالحی امیری، رضا و امیر عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۸۷). «مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی». تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۴۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). «مکارم الأخلاق». قم: الشریف‌الرضی، چاپ چهارم.
۴۲. عارف نژاد، محسن (۱۳۹۶). «شناسایی و اولیت‌بندی مؤلفه‌های شایستگی‌های مدیران مدارس با تأکید بر مدیریت اسلامی»، فصلنامه مدیریت مدرسه، شماره ۱.
۴۳. علی احمدی، علیرضا و محمد سعید جبل‌عاملی و شهاب جنابی (۱۳۹۷). «نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی بر اساس تدبر موضوعی در آیات قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۱۱.
۴۴. عبدالمحمدی، حسین و محمد علی توحیدی و علی غضنفری (۱۴۰۰). «بررسی رابطه فرهنگ و توسعه سیاسی با تحلیلی بر چگونگی تحولات سیاسی حجاز در عصر پیامبر اکرم (ص)»، فصلنامه علمی سخن تاریخ، شماره ۳۳.
۴۵. علیاناسب، حسین (۱۳۹۴). «شیوه پیامبر اکرم (ص) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره ۱۶.
۴۶. عقیلی، احمد (۱۴۰۰). «مدیریت فرهنگی بر مبنای آموزه‌های فرهنگی و سیره اهل بیت علیهم السلام (گامی در اعتلای فرهنگ اسلامی)»، قرآن، فرهنگ و تمدن، شماره ۵.
۴۷. عمید، حسن (۱۳۷۵). «فرهنگ عمید». تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۸. غراوی، محمد و حسین اسلامی (۱۳۷۶). «سازمان حکومتی در صدر اسلام»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴.



۴۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). «مفاتیح الغیب». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۵۰. کارگران، ابراهیم (۱۳۹۸). "راهبردهای فرهنگی حکومت نبوی در مدینه (۱)", مدیریت در اسلام، شماره ۳۸.
۵۱. کارگران، ابراهیم (۱۳۹۸). "راهبردهای فرهنگی حکومت نبوی در مدینه (۲)", مدیریت در اسلام، شماره ۳۹.
۵۲. کارگران، ابراهیم و محمدحسین هاشمیان (۱۴۰۱). «راهبردهای مدیریت فرهنگی- اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با یهودیان مدینه»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۵۰.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). «کافی». قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۵۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۸). «حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)». قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). «مجموعه آثار». تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
۵۶. مظفری، آیت (۱۳۸۵). «شاخصه های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم (ص)»، مریبان، شماره ۲۱.
۵۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). «التفسیر الکاشف». قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). «پیام قرآن». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۶۰. میرشفیعی، علی (۱۳۸۹). «آشنایی با تاریخ اسلام». تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ اول.
۶۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). «المغازی». بیروت: مؤسسة الأعلمی، ط الثالثة.
۶۲. وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۶). «عناصر تمدن ساز دین اسلام»، معرفت، شماره ۱۲۳.
۶۳. ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). «مجموعه ورام». بی جا: مکتبه فقیه، چاپ اول.
۶۴. هاشمی خانباسی، علی (۱۳۹۵). "الگوی مدیریتی پیامبر اسلام"، کنفرانس بین المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی.
۶۵. یوکل، گری (۱۳۸۲). «مدیریت و رهبری در سازمانها، ترجمه محمد ازگی و قاسم قنبری». تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

English websites and Sources

1. Bench, S., & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. *International journal of nursing studies*, 47(4), 487-499.
2. Paterson, B. L. (2001). *Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis (Vol. 3)*. Sage.
3. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318.
4. Sandelowski, M., Barroso, (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York: Springer
5. Schermerhan, John R., (2002), *Management*, New York: Wiley.
6. <https://khamenei.ir>
7. <https://www.leader.ir/fa>
8. <https://lib.eshia.ir>
9. <https://fa.wikifeqh.ir>
10. <https://www.parsi.wiki>

References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Safiha Sajjadiyeh.

1. Aghadaghi, Maitham and Hossein Khanifar, Hassan Danaei Fard, and Moštafa Delshad Tehrani (2017). "Reading and understanding the Islamic principles of cultural policy based on the government of the Holy Prophet (PBUH)", Islamic Management Scientific Research Quarterly, No. 1.
2. Aiti, Mohammad Ibrahim (2010). "History of the Prophet of Islam". Qom: Andisheh Molana, first edition.
3. Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibatullah (1404). "Description of Nahj al-Balagha". Qom: bi-na, cha: first.
4. Ibn Athir, Izz al-Din (1409). "Assad al-Ghaba". Beirut: Dar al-Fakr.
5. Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1413). "I don't know Yahdrah al-Faqih". Qom: Islamic Publications Office, second edition.
6. Ibn Sa'd (Bita). "Al Taqabat Al-Kubara". Beirut: Dar Sader.
7. Ibn Shuba (1990). "History of al-Madinah al-Munaura". Beirut: Dar Altrath.
8. Ibn Hisham (1383). "Al-Sirah al-Nabiyah". Egypt: Muhammad Ali Sabih School.
9. Bagheri Fard, Mohammad Hossein, Abdullah Tawakli and Mehdi Alwani (2015). "Mechanisms of influence of religion in the process of cultural policy-making (with an emphasis on the formulation stage)", practical-research journal of religion and communication, number 50.
10. Bagheri Fard, Mohammad Hossein and Abdullah Tawakli, and Mehdi Alwani (2014). "Cultural politics in religious government", Islamic Government Quarterly, No. 75.
11. Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1371). "Al-Mahasen". Qom: Dar al-Katb al-Islamiya, second edition.
12. Go, Tawfiq (1422). "Al-Qadim Arab History". Beirut: Dar al-Fakr.
13. Peshwai, Mehdi (2016). "history of Islam". Qom: Maarif Publishing House, 6th edition.
14. Tagwi, Hossein (2016). "Systematic indicators of the government of the beloved Messenger of Islam (PBUH)", Islamic Government, No. 4.
15. Tavakoli, Abdullah, Alireza Mohammadi, and Arshiya Khodayi (2016). "Quantum Leadership: Why, What and How", Journal of Organizational Behavior Studies, No. 21.
16. Tawakli, Abdullah, Taghi Mousavi, and Mohammad Taghi Norouzi (1400). "Presenting and analyzing the transformational leadership model from the perspective of the Holy Quran", Imam Hossein University, number 4.
17. Jan Ahmadi, Fatima (2015). "Foundations and Mechanisms of Cultural Transformation in the Age of the Prophet (PBUH)", Islamic History Quarterly, No. 28.
18. Jafarian, Rasool (2016). "Islamic works of Mecca and Medina". Tehran: Mashaar Publishing House, 6th edition.
19. Jalili, Abolhasan (2008). "The life of the Prophet (PBUH) in dealing with anomalies (1)", Farhang Kausar, No. 78.
20. Javadi Amoli, Abdullah (1388). "Tasnim". Qom: Isra, 8th edition.
21. Javadi Amoli, Abdullah (1383). "Tawheed in the Qur'an". Qom: Isra, first edition.
22. _____ (1379). "The biography of the Holy Prophet in the Qur'an". Qom: Isra, second edition.
23. _____ (1380). "Resurrection in the Qur'an". Qom: Isra, first edition.
24. Jokar, Hamed (1400). "Prophet's (PBUH) government method in social capital management", Social Capital Management Quarterly, Farabi Campus Tehran, No. 1.
25. Haji Ahmadi, Mahmoud (1385). "Prophet of Islam and the change of the cul-

tural structure of the Jahili society", the scientific magazine of Isfahan University Faculty of Literature and Humanities, No. 44.

26. Har Aamili, Muhammad bin Hassan (1409). "Wasail al-Shia". Qom: Al Al-Bayt Institute, first edition.

27. Hosseini Khamenei, Ali (1390). "250-year-old man". Tehran: Iman Jihadi Institute, first edition.

28. _____ (2019). "Lessons of the Great Prophet (PBUH)". Tehran: Islamic Revolution Publishing House, sixth edition.

29. _____ (1392). "A beam from Nir Azam (an approach to the intellectual system of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei, about Hazrat Muhammad Mustafa (PBUH))". Tehran: Soroush, first edition.

30. _____ (1392). "Outline of Islamic thought in the Qur'an". Tehran: Iman Jihadi Institute, first edition.

31. Dehkhoda, Ali Akbar, Jafar Shahidi, Hassan Ahmadi Givi, and Mohammad Moin (1377). Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute.

32. Diari Begdali, Mohammad Taghi and Abuzar Khairandish (2017). "Strategies to solve the cultural-social crisis of ignorance from the perspective of the Qur'an and Hadith", Journal of Qur'an and Hadith Studies, No. 23.

33. Rezaei, Hassan (1400). "Qur'an and Management". Qom: Bina, first edition.

34. Rezaian, Ali (1379). "Principles of Management". Tehran: Samit, 25th edition.

35. Rezaei Esfahani (1387). "Tafsir Quran Mehr". Qom: Researches on Qur'an interpretation and sciences, first edition.

36. Sobhani, Jafar (2015). "Parts from the history of the Prophet of Islam". Tehran: Mashaar Cultural Institute, 38th edition.

37. Shafiei, Abbas (2017). "Leadership and Organizational Transformation in Islam". Qom: Hoza and University Research Institute, first edition.

38. Shafi'i, Abbas (1400). "Strategic management with an Islamic approach". Qom: Hoza and University Research Institute, first edition.

39. Salehi Amiri, Reza and Amir Azimi Dolatabadi (1387). "Fundamentals of policy-making and cultural planning". Tehran: Institute of Strategic Research, Expediency Analysis Forum, first edition.

40. Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein (1417). "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an". Qom: Publications of the Society of Scholars, 5th edition.

41. Tabarsi, Hassan bin Fazl (1370). "Makaram al-Akhlaq". Qom: Al-Sharif Al-Razi, 4th edition.

42. Arefnejad, Mohsen (2016). "Identification and prioritization of school principals' competence components with an emphasis on Islamic management", School Management Quarterly, No. 1.

43. Ali Ahmadi, Alireza and Mohammad Saeed Jabal Ameli and Shahab Janabi (2017). "The theory of the basis of "transformational leadership" in human societies based on thematic thinking in the verses of the Holy Quran", two scientific-research quarterly studies of Iranian Islamic development model, number 11.

44. Abdulmohammadi, Hossein and Mohammad Ali Tawhidi and Ali Ghazanfari (1400). "Investigating the relationship between culture and political development with an analysis of the political developments of Hejaz during the era of the Holy Prophet (PBUH), Sokhn Tarikh Scientific Quarterly, No. 33.

45. Aliansab, Hossein (2014). "The method of the Holy Prophet (PBUH) in psychological management of the Islamic society", Islamic Studies and Psychology, No. 16.

46. Aghili, Ahmed (1400). "Cultural management based on cultural teachings and the way of the Ahl al-Bayt (a step in the upliftment of Islamic culture)", Qur'an, Culture and Civilization, No. 5.

47. Omid, Hassan (1375). "Amid dictionary". Tehran: Amir Kabir Publications.

48. Gharavi, Mohammad and Hossein Eslami (1376). "Government Organization

- at the Head of Islam", Islamic Government Quarterly, No. 4.
49. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1420). "Mofatih A "Lagheeb". Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third edition.
 50. Kargaran, Ibrahim (2018). "Cultural Strategies of Prophetic Government in Me-dina (1)", Management in Islam, No. 38.
 51. Kargaran, Ibrahim (2018). "Cultural Strategies of Prophetic Government in Me-dina (2)", Management in Islam, No. 39.
 52. Kargaran, Ibrahim and Mohammad Hossein Hashemian (1401). "Social-Cultural Management Strategies of the Holy Prophet (PBUH) in Facing the Jews of Madinah", Marafet Social Cultural Knowledge, No. 50.
 53. Kalini, Muhammad bin Yaqoob (1429). "enough". Qom: Dar al-Hadith, first edition.
 54. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (1378). "The Wisdom of the Great Prophet (PBUH)". Qom: Dar al-Hadith, first edition.
 55. Motahari, Morteza (1387). "collection". Tehran: Sadra Publications, 4th edition.
 56. Mozafari, Ayat (1385). "Islamic Civilization Indicators in the Eyes of the Great Prophet (PBUH)", Morbiran, No. 21.
 57. Mughniyeh, Mohammad Javad (1424). "Al-Tafsir al-Kashif". Qom: Dar al-Kitab al-Islami, first edition.
 58. Makarem Shirazi, Nasser (1386). "The Message of the Qur'an". Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 9th edition.
 59. Makarem Shirazi, Nasser (1371). "Sample Interpretation". Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 10th edition.
 60. Mirshfiei, Ali (1389). "Acquaintance with the history of Islam". Tehran: Mashaar Cultural and Artistic Institute, first edition.
 61. Waqidi, Muhammad bin Omar (1409). "Al-Maghazi". Beirut: Al-Alami Institute, III.
 62. Vahidi Manesh, Hamza Ali (2016). "Civilizing Elements of Islamic Religion", Marafet, No. 123.
 63. Varam bin Abi Firas, Masoud bin Isa (1410). "Swelling group". Bija: Muqat al-Faqih, first edition.
 64. Hashemi Khan Abbasi, Ali (2015). "Management Model of the Prophet of Islam", International Conference on Innovation in Science and Technology.
 65. Yukel, Gary (2012). "Management and leadership in organizations, translated by Mohammad Azgholi and Qasem Ghanbari". Tehran: Institute of Printing and Publishing of Imam Hossein (AS) University.
- English Sources and websites
1. Bench, S., & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. International journal of nursing studies, 47(4), 487-499.
 2. Paterson, B. L. (2001). Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis (Vol. 3). Sage.
 3. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. Journal of advanced nursing, 53(3), 311-318..
 4. Sandelowski, M., Barroso,(2007). Handbook for synthesizing qualitative research..NewYork:Springer
 5. Schermerhan, John R., (2002), Management, New York: Wiley.
 6. <https://khamenei.ir>
 7. <https://www.leader.ir/fa>
 8. <https://lib.eshia.ir>
 9. <https://fa.wikifeqh.ir>
 10. <https://www.parsi.wiki>